

گام به گام در مسیر فاجعه حکم آژانس اتمی مهم نیست تغییر سیاست حاکم در ایران مهم است

امروز اجلاس شورای حکام اتمی یکبار دیگر برای بررسی پرونده اتمی ایران تشکیل جلسه می دهد. این که چه تصمیمی در این جلسه گرفته شود و پرونده ایران سر از شورای امنیت سازمان ملل متحد در آورد و یا معلق در این شورا بماند، اهمیت دارد. اما بر خلاف تبلیغات و سیاست بازی های بیت رهبری و شورای امنیت ملی، این مسئله اهمیت کلیدی ندارد، بلکه ادامه سیاستی که ایران را به کنج دیوار رانده کلیدی ترین مسئله است. این سیاست، که در واقع سیاست نیست، بلکه سیاست بازی است، می خواهد به تولید بمب اتم در ایران بیانجامد. امری که نه ممکن است و نه سودی برای ملت ایران در بر دارد. نه تنها ممکن نیست و سودی در بر ندارد، بلکه می تواند ایران را به کام بزرگترین رویدادهای ویرانگر نیز ببرد. تاکتیک های این سیاست عبارتست از وقت کشی، تظاهرات اتم خواهی در تهران و چند شهر دیگر، ریاکاری و نگفتن واقعیات به مردم و بردن کشور به کام جنگی دیگر. ابزارهای ادامه این سیاست نیز در داخل کشور عبارتست از فضای بسته سیاسی، بی خبر نگهداشتن مردم، امنیتی کردن فضای عمومی کشور و هرچه بیشتر نظامی کردن حکومت. در صورتی که اگر هیچ برنامه ای برای تولید سلاح اتمی و دنبال کردن رویای مایخولیائی رهبری جهان تشیع وجود نداشت و قدرت را نه در لوله تفنگ و کلاهک اتمی و موشک شهاب نمی دیدند، به سوی دموکراسی، وحدت ملی، سپردن تکنولوژی اتمی بدست سازمانی غیر نظامی و غیر سپاهی و گشودن درهای بسته به روی هر نوع بازرسی که سازمان انرژی اتمی خواهان آنست می رفتند.

نه شرایط و اوضاع حاکم در داخل کشور از چنین عزم و اراده ملی و دوری از آمادگی جنگی نشانی دارد و نه در سیاست بازی های بین المللی نشانه های سیاستی واقع بینانه و متکی به نیازهای کشور و شرایط بین المللی مشاهده می شود. رویای جنون آسای فتح کربلا را دوباره در ذهن پرورش دادن، خواب تولیت امام حسین و مقبره حضرت علی را دیدن و از هم اکنون دم و دستگاه آن را به این و آن سپردن و سلسله نشانه های دیگری که نیاز به بازگویی ندارد، نه نشان دهنده تغییر سیاست و بازگشت به سیاستی ملی، که تأیید کننده همه نگرانی های ملی است. یعنی همان نگرانی که صادق ترین ملیون و دگراندیشان داخل کشور نیز با نگرانی، اخیراً و در نامه های خود آن را طرح کرده اند. حتی دبیر شورای امنیت ملی "لاریجانی" نیز خود در آخرین مصاحبه ای که شب گذشته (یکشنبه) روی خروجی خبرگزاری ها قرار گرفت اذعان داشته تقابل امریکا با ایران سنگین است. گرچه ادعا کرده که این امر برای امریکا نیز گران تمام خواهد شد. همین نکته را به گونه ای دیگر محمد خاتمی در مصاحبه با یک روزنامه چاپ قطر بازگو کرده است. این که چه ضربه ای به امریکا و منافع آن می توانیم بزنیم و یا نمی توانیم بزنیم، فرصت خواهند یافت موشک به سمت اسرائیل شلیک کنند یا نکنند، جهان اسلام را به مقابله خواهند توانست برانگیخت یا نه؟ همه فرضیاتی است که ده ها دلیل در نفی آنها وجود دارد، اما آنچه در نفی آن هیچ دلیلی وجود ندارد ویرانی و عوارض پخش مواد رادیواکتیو در ایران است. اینست آن فاجعه ای که همه دل های نگران آینده ایران و مردمی که در آن زندگی می کنند از آن بیم دارند و نسبت به آن هشدار می دهند. همین نیروها و از جمله توده ای ها، در عین حال که تولید سلاح اتمی در ایران را نفی و ناممکن و ضرر آفرین می دانند، بر داشتن تکنولوژی اتمی بعنوان یک دستاورد ملی دفاع می کنند. یعنی همان تکنولوژی که ژاپن و آلمان هم بدون در اختیار داشتن سلاح اتمی و یا تولید آن در اختیار دارند. مردم ایران تکنولوژی اتمی را دستاورد خود می

دانند و از آن دفاع می کنند، این حکومت است که سلاح اتمی می خواهد و این تکنولوژی را می رود تا همراه با بخشی از خاک ایران به باد داده و بزرگترین فاجعه محیط زیستی را برای ایران از خود به جای گذارد.

جنبش مخالفت با تولید سلاح اتمی در ایران و دفاع از صلح و استقلال کشور، با تغییر سیاستی که حاکمیت خودکامه جمهوری اسلامی دنبال می کند گره خورده است! این سیاست بهترین فرصت را برای امریکا و اسرائیل جهت موزائیکی کردن ایران، ربودن و ویرانی همه آنچه که با تولید نفت ایران بدست آمده و بردن کشور ما به چند ده سال عقب فراهم ساخته است. ایران در این گذرگاه قرار گرفته است.